

بررسی چگونگی ارتباط امام رضا علیه السلام با اصحاب در کوفه، بغداد و قم

جمیله انصاریبور^۱
زهراء قاسم نژاد^۲

چکیده

کوفه، بغداد و قم از نقاط حساس شیعه‌نشین جهان اسلام بود. به سبب نقش سیاسی این سه شهر، امام رضا علیه السلام باید برنامه‌ای برای ارشاد و هدایت و تمدن‌سازی این مراکز مهم در نظر می‌گرفتند تا بتوانند کاروان بشریت را به سوی توحید و تداوم مدنیت اسلامی، رهنمون باشند. از طرفی فاصله محل استقرار امام علیه السلام با این مراکز زیاد است و امکان ارتباط حضوری امام وجود ندارد. با این فرضیه، پژوهش حاضر، درصد است تا به این پرسش پاسخ دهد که با توجه به استقرار امام رضا علیه السلام در مدینه و خراسان، چگونه ایشان با اصحاب خود در سایر نقاط جغرافیایی چون کوفه، بغداد و قم در ارتباط بوده‌اند؟

بر اساس یافته‌های این مقاله، امام علیه السلام با وجود همه تنگی‌ها و فشارها و خشونت‌های اعمال شده از سوی حاکمان وقت، با گزینش شخصیت‌های برجسته این مراکز همچون صفوان بن یحیی، یونس بن عبد الرحمن، و محمد بن ابی عمیر تشکیلات منسجم و سری شکل داده که از آن با عنوان سازمان وکالت امام یاد می‌شود و از طریق این سازمان، شبکه ارتباطی گسترده‌ای را در درون هر یک از این مراکز

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تفسیر اثری، دانشکده اهل‌البیت، دانشگاه اصفهان.

۲. استادیار دانشگاه شیراز، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه علوم قرآن و حدیث.

ایجاد نموده که این شبکه‌های ارتباطی حتی در درون دربار و حکومت وقت نیز نفوذ

داشته و کلیه جریانات جامعه را به نفع شیعیان جهت دهی می‌کند.

واژگان کلیدی: امام رضا علیه السلام، ارتباط، اصحاب، بغداد، قم، کوفه.

مقدمه

عصر امام رضا علیه السلام به عنوان یکی از دوره‌های پرتنش سیاسی و فرهنگی از جهات مختلف درخور توجه و اهمیت است. تقسیم خلافت عباسی، درگیری میان امین و مأمون، خیزش بزرگ علویان و سرانجام، دعوت امام به خراسان توسط مأمون و مسئله واگذاری ولایت عهدی به امام، نقطه عطفی در تاریخ تشیع محسوب می‌شود. از جهتی، این دوره از تاریخ بهترین دوران گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی است، به گونه‌ای که به «عصر طلایی» معروف شده است (حياة الامام الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۱). در این شرایط حساس و ویژه، ارتباط امام علیه السلام با مراکز مهم شیعی چون کوفه، بغداد و قم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا شهر شیعه‌نشینی مانند کوفه در کنار بصره، که بزرگترین منطقه سنی نشین است، واقع شده و قم و بغداد از دیگر شهرهایی هستند که بیشترین جمعیت شیعی را در خود جای داده‌اند. سؤال اساسی این است که با وجود استقرار امام در مدینه و مدتی در خراسان، ارتباط امام با اصحاب خود در کوفه، بغداد و قم به چه صورت بوده است؟ رویکردی که نویسنده‌گان در بیان چگونگی ارتباط امام رضا علیه السلام با اصحاب در شهرهای کوفه، قم، و بغداد برگزیده‌اند، یک رویکرد روایی با تکیه بر آراء رجالیون شیعه است. در این رویکرد، مراد از اصحاب امام رضا علیه السلام در کوفه، قم، و بغداد، تمام شیعیان و حتی غیرشیعیانی است که از دوستداران امام علیه السلام هستند و برای شنیدن سخنان امام، شوق و علاقه ویژه‌ای از خود نشان می‌دهند. در این مراکز به غیر از شیعیان افرادی وجود دارند که با شیعه‌نبودن، به امام علاقه داشته و از محضر وی به عنوان یک عالم و دانشمند برجسته عصر خود استفاده می‌کردند. با توجه به این تعریف گسترده از اصحاب امام علیه السلام، قطعاً تعداد بی‌شماری در هر یک از این نواحی جغرافیایی وجود دارند که واژه «اصحاب» بر آنها صدق می‌کند. امام باید به عنوان امام و پیشوای جامعه مسلمانان عصر خود با اصحاب در ارتباط بوده و به هدایت عمومی جامعه پردازد و از طرفی حضور امام تنها در دو شهر مدینه و خراسان دیده می‌شود. پس باید به این پرسش پاسخ داد که امام چگونه با اصحاب خود در این مراکز ارتباط داشتند. منابع تاریخی نمی‌تواند آن گونه که شایسته است، به این پرسش پاسخ دهد. به همین سبب، این پژوهش با مطالعه کتب روایی و

رجالی انجام گرفته است؛ هر چند که از منابع تاریخی نیز به عنوان مؤید و قرینه استفاده شده است. زیرا مهم‌ترین اصحاب امام علیؑ که در هر برده، انتقال دهنده میراث اهل بیت علیؑ بوده‌اند، روایان هستند و در زمان امام رضا علیؑ نیز نام روایان برجسته‌ای در کتب رجالی مثبت شده که شخصیت علمی، دینی، فقهی آنها سرآمد همگان است و امام علیؑ خود به عدم حضورشان در این مراکز اشاره نموده و از اصحاب خواسته‌اند تا سراغ شخصیت‌های برجسته رفته و معالم دین را از آنها فraigیرند. مطالعه این شخصیت‌های برجسته در کنار هم، ما را به شبکه ارتباطی پیچده و گسترده‌ای رهنمون می‌سازد که این افراد از یک سو با امام و از سوی دیگر با جامعه داشته‌اند.

ارتباط آنها با امام علیؑ این موضوع را آشکار می‌کند که این عده، تشکیلاتی منسجم و قوی را توسط امام راه اندازی کرده بودند که در این نوشتار با عنوان «سازمان وکالت امام» از آن یاد می‌شود. بیشترین ارتباط امام از طریق سازمان وکالت بود که با پیچیدگی و ظرافتی که این سازمان داشت، امکان ایجاد شبکه‌های ارتباطی درون جامعه را ممکن می‌ساخت. به منظور تحلیل این موضوع پس از بیان روش تحقیق، چگونگی ارتباط امام علیؑ در هر یک از این سه شهر به صورت مجزا مطرح شده است. در بحث چگونگی ارتباط امام با اصحاب در کوفه، نوع ارتباط و برآیندها به صورت مفصل بررسی شده؛ به همین سبب در بررسی ارتباط امام با بغداد و قم، این مباحث به صورت خلاصه‌تر مطرح شده است. در پایان، ارتباط کلی امام با اصحاب در این سه شهر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر با روش توصیفی تحلیلی با تکیه بر حوادث تاریخی و گزارشات علمای علم حدیث و رجال، تدوین شده است. پس از انتخاب موضوع، نگارندگان با استفاده از کتب رجالی و روایی شیعه به بررسی اصحاب امام علیؑ در کوفه، بغداد و قم پرداخته و با مطالعه سیصد و بیست نفر از اصحاب امام رضا علیؑ در شهرهای متعدد به گزینش افرادی پرداخته که می‌توانند چگونگی ارتباط امام را با اصحاب در شهرهای فوق نشان دهند. سپس زندگی این افراد و روایت‌های آنها در کلیه منابع رجالی، روایی و تاریخی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و چنانچه گزارشی یا مطلبی در یک کتاب حاکی از ارتباط امام با اصحاب در یکی از این حوزه‌ها بوده، بیان و تحلیل شده است.

چگونگی ارتباط امام رضا^{علیه السلام} با اصحاب در کوفه

در قرن اول هجری، با انتقال قدرت و مرکزیت خلافت امیر مؤمنان علی^{علیه السلام} از مدینه به کوفه پس از جنگ جمل، شهر کوفه به تدریج چهره‌ای شیعی به خود گرفت و پس از جریان جمل بود که ۴۰۰ صحابی از مهاجر و انصار که ۷۰ نفر از بدريون در میان آنها بودند، وارد کوفه شدند و در صفين ۲۸۰۰ صحابی مقیم کوفه همراه علی^{علیه السلام} بودند (تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۸). در سده دوم، حضور شمار بسیاری از علمای اسلام در جامع این شهر، شگفت‌آور است. مردم کوفه در این دوران ترکیبی از شیعه و سنی، پیروان مذاهب دیگر و حتی ملحدان بودند؛ ولی آنچه به حیات علمی کوفه در قرن دوم نیرو بخشید، وجود شاگردان بنام صادقین^{علیهم السلام} بود.

امام سجاد، امام باقر و صادق^{علیهم السلام} بارها به کوفه آمدند و در این رفت و آمدها، محدثان شیعی و سنی از حضور ائمه اطهار بهره‌های فراوان برداشتند. اقامت پنج ساله امام صادق^{علیه السلام} در شهر هاشمیه (الكافی، ج ۶، ص ۴۵۵) و نقل روایت از نزدیک برای شیعیان، بیش از پیش به غنای علمی شیعه در کوفه کمک کرد؛ به طوری که حضور و افاده علمی آن حضرت در مسجد کوفه از سایر ائمه^{علیهم السلام} بیشتر بود (پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۳۵۷).

بنابراین، شهر کوفه با وجود متأثربودن از اختلافات و چندستگی‌ها، به دلایل زیر به مرکزیت شیعه شهرت یافت:

- اگر می‌خواستند به فردی عنوان شیعی دهند او را کوفی یا کوفی مذهب لقب می‌دادند.
- نخستین گروه از شاگردان امام باقر^{علیه السلام} مردانی از شهر کوفه بودند (پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۳۵۷).
- راویان صادقین^{علیهم السلام} در درجه اول کوفی بودند (الرجال، ص ۱۲۱ - ۳۲۸).
- حسن بن علی بن زیاد و شاء از اصحاب امام رضا^{علیه السلام}، نهصد نفر از مشایخ حدیث را در مسجد کوفه درک کرده که همه در مقام تدریس می‌گفتند: حدّثی جعفر بن محمد^{علیهم السلام} (رجال نجاشی، ص ۴۰).
- از میان هجده نفر اصحاب اجماع غیر از معروف بن خرّبود که مکی (الرجال، ص ۱۲۰) و محمد بن ابی عمير که از مردم بغداد بود (رجال نجاشی، ص ۳۲۰)، شانزده نفر باقیمانده اهل کوفه یا ساکن آنجا بودند و همین امر، اهمیت کوفه و ارادت آنان به ائمه اطهار^{علیهم السلام} و حفظ میراث ایشان را مدلل می‌سازد.

بسیاری از خاندان‌های علمی شیعه که همگی شاگردان امامان علیهم السلام بوده‌اند، از کوفه هستند؛ از این خاندان‌ها می‌توان به آل ابی شعبه، آل ابی جعد، آل ابی اراکه و آل ابی صفیه اشاره کرد (کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، ص ۴۷۸ - ۴۸۹).

بنابراین، حرکت ائمه قبل از امام رضا علیه السلام و تلاش‌های مستمر ایشان سبب شد تا شهر کوفه به مرکزیت شیعه تبدیل شود. حفظ موجودیت و گسترش مذهب تشیع در کوفه، از مسائلی بود که امام باید به آن اهتمام می‌ورزید تا این شهر همچنان چهره شیعی خود را حفظ نماید. از طرفی، این امر تنها با وجود ارتباط مستقیم امام با اصحاب خود در این شهر امکان‌پذیر بود. با توجه به این موضوع که امام رضا علیه السلام در دو شهر مدینه و خراسان سکونت داشته‌اند، و از طرفی کوفه پایگاه شیعه و دوستداران اهل‌بیت علیهم السلام است، این پرسش در ذهن پژوهشگر ایجاد می‌شود که امام چگونه با یاران و اصحاب خود در کوفه ارتباط و تعامل داشته‌اند؟ برآیند این ارتباط و تعامل باید به حفظ موجودیت شیعه در کوفه و گسترش آن بینجامد. مطالعه منابع تاریخی، روایی و رجالی در پاسخ به این سؤال مؤثر است. اولین و حساس‌ترین اقدام امام علیه السلام به منظور ایجاد ارتباط با کوفه، تشکیل سازمان وکالت بود. امام به همین علت دست به گزینش زده و از میان افرادی که در کوفه بودند، برجسته‌ترین شخصیت‌ها را که می‌توان آنان را نخبگان کوفی نامید، انتخاب نمود. هسته مرکزی سازمان وکالت امام علیه السلام در کوفه، توسط این نخبگان شکل گرفت. منابع رجالی از ۵۵ نفر نام می‌برند که در کوفه به نقل روایات امام رضا علیه السلام پرداخته‌اند. مطالعه و بررسی شخصیت، حالات و ویژگی این افراد و میزان ملاقات‌های آنان با امام علیه السلام در منابع تاریخی و رجالی بیانگر این موضوع است که از این تعداد هشت نفر از هر حیثی سرآمد دیگران و مورد توجه امام بوده‌اند. به دیگر سخن، اینها کسانی بودند که هسته مرکزی سازمان وکالت امام در کوفه را شکل می‌دادند. احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، صفوان بن یحیی، حسن بن علی بن وشاء، محمد بن سنان، عبدالله بن جنلب، محمد بن اسماعیل بزیع، ایوب بن نوح و جعفر بن بشیر از برجسته‌ترین شخصیت‌های کوفی هستند که هر یک به گونه‌ای در سازمان وکالت امام فعالیت دارند. با توجه به وجود افرادی چون صفوان و احمد بن محمد به نظر می‌رسد سازمان وکالت امام در کوفه از انسجام و قدرت کافی برخوردار بوده است؛ زیرا افرادی را امام به عنوان پل ارتباطی خود با کوفه برگزیده‌اند که تجربه ارتباط بین امام رضا علیه السلام و جامعه را در زمان امام کاظم علیه السلام تجربه نموده‌اند:

«وَجَدْتُ بِخَطْ جَبَرِيلَ بْنَ أَحْمَدَ الْفَارِيَابِيِّ حَدِيثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَهْرَانَ قَالَ أَخْبَرْنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنَ أَبِي نَصْرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَا وَصَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى وَمُحَمَّدُ بْنُ سَنَانَ وَأَذْنَهُ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُغِيرَةِ أَوْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَنْدَبٍ وَهُوَ بَرِّيٌّ قَالَ فَجَلَسْنَا عِنْدَهُ سَاعَةً ثُمَّ قَوْلَتِي: أَمَا أَنْتَ يَا أَحْمَدَ فَاجْلَسْ فَجَلَسْتُ فَأَقْبَلَ يَحْدِثَنِي فَأَسْأَلَهُ فِي جِبَرِيلَ حَتَّى ذَهَبَ عَامَةُ الْلَّيْلِ فَلَمَّا أَرْدَتُ الْإِنْصَافَ قَالَ لِي: يَا أَحْمَدَ تَنْصُرْ فَأَوْتَبِيتُ؟ قَلْتُ جَعَلْتُ فَدَاكَ ذَاكَ إِلَيْكَ إِنْ أَمْرَتُ بِالْإِنْصَافِ اتَّصَرَّتْ وَإِنْ أَمْرَتُ بِالْقِيَامِ أَقْمَتُ قَالَ: أَقْمِ فَهَذَا الْحَرُّ وَقَدْ هَدَأَ الْلَّيْلُ وَنَامُوا فَقَامُ وَانْصَرَفَ فَلَمَّا ظَنَنْتُ أَنَّهُ قَدْ دَخَلَ: خَرَرْتُ لِلَّهِ سَاجِدًا فَقَلْتُ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَوارَثُ عَلَمِ النَّبِيِّينَ أَنَّسَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ وَ حَبِّنِي فَأَنَا فِي سُجْدَتِي وَشَكَرِي فَمَا عَلِمْتُ إِلَّا وَقَدْ رَفَسْنِي بِرِجْلِهِ ثُمَّ قَمَتْ فَأَخْذَ بِيَدِي فَغَمْزَهَا ثُمَّ قَالَ: يَا أَحْمَدَ إِنْ أَمْرَيْ الرَّؤْمَنِيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَادَ صَعْصَعَةً بْنَ صَوْحَانَ فِي مَرْضِهِ فَلَمَّا قَامَ مِنْ عِنْدِهِ قَالَ لِهِ: يَا صَعْصَعَةً لَا تَفْتَخِرْ عَلَى إِخْوَانَكَ بِعِيَادَتِي إِيَّاكَ وَاتَّقِ اللَّهَ ثُمَّ اتَّصَرَّفَ عَنِّي» (رجال کشی، ص ۵۸۷ - ۵۸۸).

گزارش مرحوم کشی نشان می‌دهد احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، صفوان و محمد بن سنان چهره‌های شناخته شده شیعی جامعه کوفه هستند که قبل از امام رضا علیه السلام نیز با امام عصر خود در ارتباط بوده‌اند. امام کاظم علیه السلام نیز برخی از اصحاب را در زمان امام رضا علیه السلام برای این امر آماده و مسؤولیت خطیرشان را گوشزد می‌نمود. زمانی که محمد بن سنان قصد رفتن به کوفه را داشت، امام کاظم علیه السلام به وی فرمودند:

«حَدَّثَنِي حَمْدُوِيْهُ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسْنُ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سَنَانَ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَ أَنْ يَحْمِلْ إِلَى الْعَرَاقِ بِسَنَةٍ وَعَلَى ابْنِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَيْنَ يَدِيهِ فَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ! قَلْتُ لِبِيكَ قَالَ: إِنَّهُ سَيَكُونُ فِي هَذِهِ السَّنَةِ حَرْكَةٌ وَلَا تَخْرُجُ مِنْهَا ثُمَّ أَطْرَقَ وَنَكَتَ الْأَرْضَ بِيَدِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهِ إِلَى وَهُوَ يَقُولُ وَيَضْلِلُ اللَّهَ الظَّالِمِينَ وَيَفْعُلُ مَا يَشَاءُ قَلْتُ وَمَا ذَاكَ جَعَلْتُ فَدَاكَ؟ قَالَ: مَنْ ظَلَمَ ابْنَى هَذَا حَقَّهُ وَجَدَ إِمَامَتَهُ مِنْ بَعْدِ كَانَ كَمَنْ ظَلَمَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَقَّهُ وَإِمَامَتَهُ مِنْ بَعْدِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ نَعَى إِلَى نَفْسِهِ وَدَلَّ عَلَى ابْنِهِ فَقَلْتُ وَاللَّهِ لَئِنْ مَدَ اللَّهُ فِي أَعْمَالِهِ حَقَّهُ وَلَا قَرْنَ لَهُ بِالْإِمَامَةِ أَشْهَدُ أَنَّهُ مَنْ بَعْدَكَ حَجَةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَالْدَّاعِيُّ إِلَى دِينِهِ فَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ يَمْدُ اللَّهُ فِي عَمَرِكَ وَتَدْعُوا إِلَى إِمَامَتِهِ وَإِمَامَةِ مَنْ يَقُولُ مَقَامَهُ مِنْ بَعْدِهِ فَقَلْتُ وَمَنْ ذَاكَ جَعَلْتُ فَدَاكَ؟ قَالَ مُحَمَّدٌ ابْنَهُ قَلْتُ بِالرَّضِيِّ وَالتَّسْلِيمُ فَقَالَ: كَذَلِكَ قَدْ

و جدتک فی صحیفة أمیر المؤمنین علیه السلام اما إنك فی شیعتنا أبین من البرق فی اللیلة
الظلماء ثم قال: يا محمد إن المفضل أنسی و مستراحی و أنت أنسهم و مستراحهم
حرام على النار أن تمسك أبداً يعني أبا الحسن و أبا جعفر علیهم السلام» (رجال کشی،
ص ۵۰۹).

این گزارش هرچند از زبان خود ابن سنان نقل شده است، اما حکایت از شخصیت و موقعیت
محمد بن سنان دارد که قرار است، در دوران امامت امام رضا علیه السلام مایه آرامش ایشان باشد.

با توجه به این گزارشات، امام رضا علیه السلام گزینش بسیار خوبی داشته و سازمان وکالت امام در
کوفه می‌تواند با وجود این افراد از قوی‌ترین سازمان‌های ارتباطی باشد. به منظور حفظ انسجام و
قدرت این سازمان، امام علیه السلام باید از میان این افراد نماینده تأمّل‌الاختیاری داشته باشند که از هر
حیث، شایستگی جانشینی امام را داشته باشد. برای این منظور، صفوان بن یحیی از سوی امام به
عنوان رهبر و نماینده تأمّل‌الاختیار سازمان وکالت در کوفه انتخاب شد. انتخاب این شخصیت در
حفظ پیوند عاطفی و فکری افراد درون سازمان و ارتباط و تعامل سازمان با جامعه از حساسیت
ویژه‌ای برخوردار بود؛ امام وی را که از شخصیت‌های برجسته فقهی بود، گزینش کردند؛ زیرا
بررسی‌ها نشان می‌دهد عموم کسانی که توسط افراد جامعه توثیق می‌شوند، فقه‌مدارند و امام بر
همین اساس، وی را که شخصیت برجسته فقهی عصر خود بود، برگزید. ویژگی‌های شخصیتی
صفوان نشان می‌دهد که او از خواص شیعه است. وی از عابدترین افراد بوده است. در احوالات
اوست که هر روز ۱۵۰ رکعت نماز می‌خوانده؛ سه ماه از سال را روزه می‌گرفته و سه مرتبه در سال
زکات مال خود را پرداخت می‌کرده است. کتاب‌های وی نشان می‌دهد که او در علم فقه
صاحب‌نظر و از برجستگان بوده است. کتاب الشراء و البیع و کتاب التجارات غیر الأول، کتاب
المحبة و الوظائف، کتاب الفرائض، کتاب الوصایا، کتاب الآداب، کتاب بشارات المؤمن از
کتاب‌هایی است که ابن نديم برای وی نقل کرده است (الفهرست، ص ۲۴۱). پایین‌دی صفوان به
شروعت به حدی است که وقتی از او خواسته شد تا دو دینار را از مکه به دست صاحب‌شیوه در کوفه
برساند، در پاسخ گفت: شتری که با آن سفر می‌کنم اجاره کرده‌ام برای خودم و نمی‌دانم آیا
صاحب‌شیوه راضی است تا دو دینار با خود حمل کنم یا نه؟

«وَكَانَتْ لَهُ مَنْزِلَةٌ مِّنَ الزَّهْدِ وَالْعِبَادَةِ وَكَانَ جَمَاعَةُ الْوَاقِفَةِ بِذَلِيلِهِ مَا لَا كَثِيرًا وَكَانَ
شَرِيكًا لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَنْدُبٍ وَعَلَى بْنِ النَّعْمَانَ. وَرَوَى أَنَّهُمْ تَعَاقَدُوا فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ أَنَّهُ
مَنْ مَاتَ مِنْهُمْ صَلَى مِنْ بَقِيَ صَلَاتِهِ وَصَامَ عَنْهُ صِيَامَهُ وَزَكِّيَ عَنْهُ زَكَاتَهُ. فَمَا تَأْتِي وَبِقَى

صفوان فکان يصلی فی کل بیوم مائة و خمسین رکعة و يصوم فی السنة ثلاثة أشهر و
یزکی زکاته ثلاثة دفعات و کل ما يتبرع به عن نفسه مما عدا ما ذكرناه يتبرع (تبرع)
عنهمما مثله . و حکی أصحابنا أن إنسانا كلفه حمل دينارين إلى أهلة إلى الكوفة فقال:
إن جمالی مکریة و أنا أستأذن الأجراء . و كان من الورع و العبادة على ما لم يكن عليه
أحد من طبقته رحمة الله»(رجال نجاشی، ص ۱۹۷).

بنابراین، سازمان وکالت امام با رهبری شخصیت بر جسته کوفه یعنی صفوان، کار خود را
شروع نمود. سازمان وکالت امام در کوفه باید ارتباط خود را با امام برقرار می کرد تا بتواند شبکه
ارتباطی قوی در جامعه کوفه ایجاد نماید. ارتباط امام علی با سازمان وکالت در کوفه به دو صورت
حضوری و مکاتبی انجام می گرفت. در گزارشات منابع تاریخی و رجالی آمده که هر یک از افراد
این سازمان، با امام رضا علی دیدار و ملاقات های حضوری دارد. گاهی این دیدارهای حضوری
در محل استقرار امام علی اتفاق می افتد. به عنوان نمونه، حسن بن علی بن وشاء در سفرهای
تجاری خود به مرو و خراسان با امام دیدار و از مسائل و حوادثی که در کوفه با آن رو به رو بوده
است، سؤال می کند. حسن بن علی وشاء از بهترین اصحاب امام رضا علی بوده است (خلاصه
الائقاً فی معرفة الرجال، ص ۴۱). گزارشی از وی وجود دارد که امام در مرو به مسئله توجه
داشته است. طبق این خبر، امام، حسن بن علی الوشاء را به مرو خوانده، مرگ علی بن حمزه
بطائی را به اطلاع وی رسانده است (مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۳۷). وی در جای دیگر
می گوید: برای تجارت به خراسان رفتم. وقتی به آنجا وارد شدم، امام رضا علی شخصی را نزد من
فرستاد و پارچه ای کتانی که میان لباس هایم بود و من از آن بی اطلاع بودم را از من طلبید. به
فرستادهی حضرت گفتم: آنچه را که می خواهی، همراه من نیست. فرستاده خدمت امام رفت و
سپس بازگشت و نشانه و علامت آن را که در فلان سبد است، داد و من به جستجوی آن پرداختم
و همان طور که امام فرموده بودند، آن را یافتیم و نزد حضرت فرستادم (الرجال، ص ۷۲۱؛
الکافی، ج ۱، ص ۳۵۵؛ عيون اخبار الرضا علی، ج ۱، ص ۲۵۲ - ۲۵۳)؛ سپس مسائلی را نوشتیم تا
از امام بپرسم. هنگامی که به درب خانه آن حضرت رسیدم، پاسخ آن سؤال هایی که می خواستم
از او بپرسم، بی آن که آنها را اظهار کنم، به دستم رسید (الرجال، ص ۷۲).

احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی نیز در پیشگاه امام رضا و امام جواد علیهم السلام از منزلت والایی
برخوردار بود (الفهرست، ص ۵۴). در نزد شیعیان مورد اعتماد شناخته می شد (الرجال،
ص ۳۶۶). وی طی سفری که برای دیدار امام رضا و امام جواد علیهم السلام داشته، با صفوان و عبدالله

بن جندب نماینده امام رضا در اهواز همراه بوده (رجال کشی، ص ۵۸۳ و ۵۸۷) که خود بیانگر موقعیت سیاسی وی در جامعه شیعیان کوفه است. علاوه بر این، هنگامی که امام رضا عازم سفر مرو بود، وی در قادسیه مسئولیت قسمتی از تدارکات برای آن حضرت را به عهده گرفت (بصائر الدرجات، ص ۲۴۶) این موارد به خوبی می‌نمایاند که وی از افراد پرتلاش شیعیان کوفه بوده است و نقش بنیادی در اداره شیعیان این شهر داشته است.

شهر مکه به عنوان یک مرکز عبادی، در فعالیت‌های سازمان نقش عمده‌ای داشت. در چند مورد شاهد دیدار امام علی‌الله با سازمان وکالت در مکه هستیم که در ایام حج این عده با امام ملاقات می‌کردند:

«وجدت بخط جبريل بن أحمد حدثني محمد بن عبد الله بن مهران عن أحمد بن محمد بن أبي نصر و محمد بن سنان جمياً قالاً: كنا بمكة وأبوالحسن الرضا عليهما السلام بها فقلنا له جعلنا الله فداك نحن خارجون وأنتم مقيم» (رجال کشی، ص ۵۸۴).

در این گزارش آمده که احمد بن محمد و محمد بن سنان در مکه با امام علی‌الله دیدار دارند. دیدار حضوری افراد با امام پیرامون مباحث مختلف سیاسی، اجتماعی، دین و اعتقادی است. احمد بن ابی‌نصر بزنطی، یکی از خواص جامعه در ملاقاتی با امام، از دو جریان انحرافی مجبه و مفوضه سؤال می‌کند و می‌گوید: برخی از شیعیان به جبر و برخی به تفویض قائل شده‌اند؛ حضرت فرمودند:

«خداوند می‌فرماید: ای فرزند آدم! این تو هستی که به مشیت و خواسته من می‌توانی اراده کنی و به نیرو و قدرت من واجبات را انجام دهی. هر چه نیکی به تو رسد، از جانب ماست، و هر چه سختی به تو رسد، از خودت است. من در مورد کارهایم مورد سؤال و بازخواست نیستم؛ ولی از تو درباره کارهایت سؤال خواهد شد» (عيون اخبار الرضا علی‌الله، ص ۲۹۳).

گاهی ارتباط امام علی‌الله با افراد حزب از طریق مکاتبه بود که در برخی از روایات و سخنان علمای علم رجال این موضوع دیده می‌شود:

«أحمد بن علي القمي السلوبي قال حدثني الحسن بن خرزاذ عن الحسن بن علي بن النعمان عن أحمد بن محمد بن أبي نصر قال قلت لأبي الحسن الرضا عليهما السلام إن الحسن بن محبوب الزراد أتانا عنك برسالة قال صدق لا نقل الزراد بل قل السرداد إن الله تعالى يقول: وقدر في السردد» (رجال کشی، ص ۵۸۵).

این گزارش در عین مختصربودن، چند نکته مهم از ارتباط امام با حزب خود در کوفه را بیان می‌کند:

اول: گاهی امام از طریق نامه و نوشته مکتوب با اصحاب خود در کوفه ارتباط داشته‌اند.

دوم: در سخن احمد بن محمد بن ابی‌نصر، «أَنَّا عَنْكَ بِرَسُالَةٍ» آمده است؛ این نکته بیانگر

این است که در آن نامه خطاب امام علیؑ به تمام افراد سازمان بوده است.

سوم: این خبر نشان می‌دهد اوضاع در کوفه به گونه‌ای است که افراد سازمان وکالت،

اطمینان خود را از دست داده‌اند. بنابراین، احمد بن محمد برای رسیدن به اطمینان در دیدار

حضوری خود با امام، از نامه‌هایی که امام برای آنها فرستاده است نیز سؤال می‌نماید.

چهارم: نامه امام به دست حسن بن محبوب داده شده است که خود از شخصیت‌های

برجسته کوفی و از اصحاب اجماع است و این موضوع بیان می‌کند در صورت عدم ارتباط امام با

افراد برجسته سازمان، امام نامه را به افرادی می‌دادند که از آنها اطمینان داشتند.

بنابر آنچه بیان شد، امام از طریق نامه و دیدارهای حضوری با سازمان وکالت در کوفه ارتباط

داشتند. دیدارها گاهی شخصی و گاه به صورت دسته‌جمعی بود که ممکن بود این دیدار در محل

سکونت امام یا در سفرهای امام انجام گیرد. ارتباط امام با سازمان وکالت اولین مرحله ایجاد

شبکه ارتباطی است که این مرحله از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است؛ بنابراین، شاهدیم که

امام علیؑ علاوه بر دیدارهای فردی با تک تک افراد سازمان، گاهی به تشکیل جلسه با کل افراد

سازمان می‌پردازند که معمولاً در این دیدارهای سازمانی، احمد بن محمد بن ابی‌نصر، صفوان

بن‌یحیی و محمد بن سنان حضور دارند. امام در قسمت اول شبکه ارتباطی، یعنی ارتباط امام با

سازمان، سعی دارند با ارتباط حضوری یک نفره و دسته جمعی، پیوند عاطفی و فکری میان

اعضای شبکه را حفظ نمایند. افراد درون سازمان، وکالت همچون هسته اصلی، ارتباط با امام و

جامعه را شکل می‌دهند. نوع ارتباطشان و وحدت آنها از اهمیت خاصی برخوردار است؛ بنابراین،

امام علیؑ به وحدت افراد درون سازمان و عدم اختلاف و دوستگی سازمان توجه داشته و در این

موارد موضع‌گیری نموده و به حل اختلاف درون سازمان می‌پرداختند؛ اطلاعاتی که نشان‌دهنده

وجود اختلافات و دوستگی درون سازمانی باشد، در دسترس نیست؛ تنها روایت‌های ابن سنان

است که حاکی از اختلاف میان وی و صفوان و دوستانش ایوب بن نوح و فضل بن شاذان

می‌باشد؛ در این رابطه صفوان از او به عنوان «پروازکننده» یاد می‌کند و می‌گوید:

«محمد بن سنان تلاش کرد که بیش از یک بار پرواز کند که ما بال او را کوتاه کردیم و در کنار ما باقی ماند» (رجال کشی، ص ۵۰۶). و در جای دیگر می‌گوید: «محمد بن سنان از پروازکنندگان بود و ما بال او را کوتاه کردیم» (رجال کشی، ص ۵۰۷). تا این جای گزارش به نظر می‌رسد این سنان با افراد درون سازمان اختلاف پیدا نموده و چون سخن از غلو است اختلاف بر سر مباحث کلامی بوده و صفوان به عنوان رهبر سازمان سعی دارد، این اختلاف را حل کند و اتهام را از این سنان بردارد. امام رضا علیه السلام نیز در یک مورد که اختلاف بین این سنان و صفوان دیده می‌شود، با توجه به حساسیت نقش سازمان، ناگزیر از موضع گیری شده است. به هر حال، سخن امام چنین آغاز می‌گردد که فرمود: «دل بستن به ریاست، برای دین مسلمان زیان‌بارتر از یورش دو گرگ گرسنه به گله بی‌چوپان است» و سپس می‌افزاید:

لیکن صفوان به ریاست دل نبسته است (رجال کشی، ص ۵۰۳).

امام در پایان، اتهام دل بستن به ریاست را از صفوان دور کرد و به نظر می‌رسد که با پادر میانی امام، این مسایل فروکش می‌کند؛ زیرا محمد بن سنان به همراه صفوان به صورت مشترک در شهر مکه به پیشگاه امام مشرف شدند (۱۹۶ ه. ق) و از آنجا به مدینه رفتند و خدمت امام جواد علیه السلام که هجده ماه بیش نداشت، رسیدند (دلائل الامامة، ص ۲۱۳)، و در شهر کوفه نیز رفت و آمد داشتند.

با توجه به آنچه بیان شد، اولین اقدام امام به منظور ارتباط با جامعه کوفه ایجاد سازمان وکالت و ارتباط حضوری و مکاتبه‌ای با افراد این سازمان است. امام علیه السلام با ارتباط خود و رهبری و مدیریت صفوان بن یحیی، پیوند عاطفی و فکری سازمان را حفظ نموده و پس از ایجاد سازمان وکالت در کوفه و ارتباط امام با سازمان، اکنون نوبت به کار سازمان می‌رسد که این سازمان باید درون کوفه شبکه ارتباطی را که پل بین امام و جامعه کوفه است برقرار نماید. گزارشاتی که مرحوم کشی و سایر علمای علم رجال بیان کرده‌اند، نشان می‌دهد فعالیت این سازمان به صورت یک شبکه ارتباطی است که در برخی قسمت‌های شبکه، این ارتباط آشکار و علنی و در برخی از حوزه‌ها ارتباط به صورت مخفی و پنهان انجام می‌گیرد. آنچه اهمیت دارد، این است که این شبکه ارتباطی اوضاع سیاسی، دینی، اقتصادی، اعتقادی جامعه را به نفع شیعیان در کنترل دارد. در عرصه فعالیت‌های دینی، سازمان وکالت پایگاه مطالعات دینی در سطح تخصصی و منبع پاسخ‌گویی به سؤالات مردم است. بنابراین، از این طریق ارتباط سازمان با عوام و خواص

جامعه کوفه در موضوعات و مسائل دینی برقرار می‌شود. نهضت ترجمه در دوران عباسیان، خصوصاً در زمان مأمون و هارون به اوج خود رسید. این نهضت هر چند بر ایجاد حرکت علمی تأثیری بسزا داشت، از موارد نگران‌کننده نیز خالی نبود؛ زیرا مترجمان متعصب که به مذاهب غیراسلامی مانند زرتشتیان، نسطوریان و برهمن‌ها متعلق بودند، یقیناً در کار خود حسن نیت نداشتند و گروهی هم تلاش می‌کردند از بازار داغ انتقال علوم بیگانه به محیط اسلام برای نشر عقاید فاسد خود فرصتی بیابند. بنابراین، در لابه‌لای آثار ترجمه‌ای که وارد جامعه اسلامی می‌شد، آثاری از عقاید خرافی و انحرافی و غیراسلامی وجود داشت. مسلماً چنین امری از تأثیرگذاری بر افکار عمومی و انحراف آنها خالی نبود. در حکومت عباسیان نیز تشکلی که آثار علمی بیگانه را مورد ارزیابی قرار دهد، وجود نداشت. عقل‌گرایی محض که از کتاب‌های یونانی و سریانی و غیر آن به وجود آمده بود، عده زیادی را به مذهب اعتزال سوق می‌داد (مناظرات تاریخی امام علی بن موسی الرضا^{علیه السلام} با پیروان مذاهب و مکاتب مختلف، ج ۱، ص ۴۲۸ - ۴۲۹).

با توجه به موارد مذکور و رواج آموزه‌های مبتنی بر کتاب‌های علمی بیگانگان؛ طبیعتاً توجه به این آثار با رویکرد استفاده علمی از آنها و نیز ارزیابی و نقد و بررسی مطالب نادرست آنها امری طبیعی است. همین نکته سبب شد که محافل علمی توسط خواص جامعه کوفی تألیف شد که از آن کتاب‌ها تشکیل شده و آنها به تأثیف کتاب‌های علمی اسلامی پردازند تا جامعه را از کتاب‌های بیگانگان بی‌نیاز سازند. کتاب‌های سیاری از نخبگان جامعه شیعی کوفی تألیف شد که از آن جمله می‌توان از کتاب‌های صفوان نام برد. صفوان سی کتاب تصنیف کرده است و نام او در سلسله سند بیش از ۱۱۰۰ حدیث آمده است. حسن بن علی بن وشاء از شخصیت‌هایی بود که عده زیادی به منظور فراگیری علوم حدیث به سوی او می‌آمدند. نجاشی گزارشی را نقل کرده که گواه بر راستی این مطلب است:

أخبرني ابن شاذان قال: حدثنا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنَ يَحْيَى عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدٍ
بن عيسى قال خرجت إلى الكوفة في طلب الحديث فلقيت بها الحسن بن على الوشاء
فسألته أَنْ يخرج لِي (إِلَي) كتاب العلاء بن رزين القلاء وأَبْيَانَ بْنَ عَثْمَانَ الْأَحْمَرَ
فأَخْرَجَهُمَا إِلَي فَقِلْتُ لَهُ: أَحَبُّ أَنْ تَجْيِزَهُمَا لِي. فَقَالَ لِي: يَا رَحْمَكَ اللَّهُ وَمَا عَجلْتَكَ
إِذْ هُبَّ فَاكِبَهُمَا وَأَسْمَعْتَ مِنْ بَعْدِ فَقِلْتَ: لَا آمِنُ الْحَدِيثَ فَقَالَ لَوْ عَلِمْتَ أَنَّ هَذَا الْحَدِيثَ
يَكُونُ لَهُ هَذَا الْحَلْبُ لَا سَكَرْتَهُ مِنْهُ فَإِنِّي أَدْرَكْتُ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ تِسْعَ مِائَةً شِيخًا كُلَّ
يَقُولُ حَدِيثُ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ (رِجَالُ نَجَاشِي، ص ۲۸).

بنابراین گزارش، احمد بن محمد بن عیسی از قم به سوی کوفه آمده تا از محضر حسن بن علی بن وشاء استفاده نماید. جعفر بن بشیر نیز از شخصیت‌های برجسته علمی زمان امام رضا علیهم السلام است که در شأن او آمده است:

من زهاد أصحابنا و عبادهم و نساکهم و کان ثقة و له مسجد بالکوفة باق فى بجilla إلى
اليوم وأنا و كثير من أصحابنا إذا وردنا الكوفة نصلى فيه مع المساجد التي يرحب فى
الصلاوة فيها و مات جعفر رحمة الله بالأباء سنة ثمان و مائتين كان أبوالعباس بن نوح
يقول: كان يلقب فتحة العلم (رجال نجاشی، ص ۱۱۹).

هرچند منابع تاریخی و رجالی مطلبی را از فعالیت جعفر در سازمان وکالت نکرده‌اند، اما گزارش کشی نشان می‌دهد که وی علاوه بر فعالیت علمی، دارای فعالیت سیاسی بوده و از اعضای سازمان وکالت است؛ در این گزارش آمده است:

مأمون پس از شهادت امام رضا علیهم السلام و آمدن به بغداد، او را نزد خود خواند و از او دلجویی کرد (رجال کشی، ص ۲۰۵).

اقدام مأمون بیانگر این موضوع است که جعفر از افراد برجسته جامعه کوفه است که مأمون با نزدیکی به وی سعی دارد خود را از اتهام قتل امام تبرئه کند. در کنار این که سازمان وکالت به طور علنی دانشگاه و پایگاه مطالعات دینی محسوب می‌شود، برای عوام جامعه نیز منبع پاسخ‌گویی به سوالات دینی و شرعی است. مسجد مهمترین مرکز فعالیت افراد سازمان وکالت برای برقراری ارتباط با عوام جامعه است. سخنی از محمد بن سنان وجود دارد که نشان می‌دهد ابن سازمان در بعد دینی فعالیت‌های خود را به طور علنی انجام داده و با صراحة اعلام می‌شد که مسائل دینی خود را از ما بیاموزید. ابن سنان طی سخنی به «بنان» که همراه صفوان وارد مسجد کوفه می‌شدند، گفت: اگر کسی پاسخ مسائل پیچیده را خواست، نزد من آید و اگر کسی پاسخ مسائل حلال و حرام را طلب کرد، نزد شیخ [صفوان] بود (رجال کشی، ص ۵۰۸).

ابن سنان با این سخنان زیبا و روشن، از حدود کار خود و مسؤولیت صفوان تصویر روشنی به دست داده، رهبری و وکالت صفوان را پذیرفت و از او به عنوان پاسخگوی حلال و حرام یاد کرد؛ وی را در این زمینه بر خود مقدم داشت و در ضمن، مسؤولیت و موقعیت خود را نیز بازگو نمود. سازمان وکالت در عرصه اعتقادی نیز سخت وارد عمل شده بود؛ در کوفه، با وجود آن که مرکز شیعه بود، جریانات انحرافی متعددی وجود داشت؛ از مهم‌ترین این جریان‌ها، جریان انحرافی «واقفیه» است. گروه واقفه که پس از شهادت امام موسی بن جعفر علیهم السلام با انگیزه‌ای

دیناطلبانه به وجود آمده بود، چهره‌ای غالیانه به خود گرفت و برای مدتی شیعیان کوفه، بغداد و مصر را به خود مشغول داشت. آنها در شهر کوفه قدرت بیشتری داشتند و عمر سیاسی آنان در این شهر به درازا کشید و با وجود مهاباودن زمینه انحرافات، جمع بسیاری را به انحراف کشانید. این گروه، بحث‌های فراوانی با امام رضا علیه السلام به راه انداختند (رجال کشی، ص ۴۶۳ - ۴۶۶)، اما سرانجام، گروه واقفه کوفه که علی بن حمزه بطائی رئیس آنها بود (بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۵۵) و سمعاء بن مهران و حسین بن ابی سعید مکاری که بر اندیشه‌های منحرفانه خود ایستادگی می‌کردند، بر اثر تلاش سازمان وکالت در کوفه به بغداد متواری شدند و به فقر و تنگدستی افتادند و پس از مدتی فراموش شدند (رجال کشی، ص ۴۰۵). دیدارهای متعددی بین سران واقفه و صفوان نماینده امام اتفاق افتاد. زمانی که نتوانستند با مغالطه و جدل وارد شوند، در صدد تطمیع مالی آنان برآمدند.

پیشنهادات مالی بسیاری به صفوان داده شد، اما وی نپذیرفت:

«کان منن بذل له علی الوقف مال جزيل و امتنع (فامتنع) من أخذه وثبت علی الحق»

(رجال ابن داود، ج ۱، ص ۳۸۳).

شبکه ارتباطی سازمان وکالت به درون دربار نیز نفوذ کرده بود؛ اما این ارتباط از نوع مخفی و کاملاً پنهان انجام می‌شد. برخی از افراد سازمان ضمن رعایت تقیه، در دربار حکام وقت حاضر می‌شدند و جریانات سیاسی کشور را پیگیری و به نفع شیعیان حکم می‌کردند. از جمله این افراد، محمد بن اسماعیل بن بزیع است (رجال نجاشی، ص ۳۳۰). وی جزء وزرای حکومت وقت بوده است و امام رضا علیه السلام در همین زمینه به او می‌فرمایند: «همانا در درگاه حکومت‌های ظالم، کسی است که خداوند به وسیله او دلایل و برهان‌ها را آشکار می‌نماید و به او امکان می‌دهد که در بلاد مسلمین، ظلم ظالمان را از اولیای الاهی و مؤمنین دفع کند. خداوند به وسیله او، امور مسلمین را اصلاح می‌نماید؛ به خاطر این که آنان ملجاً مؤمنین از ظلم و ضرر هستند. بر آنان واجب است که از حاجت‌مندان شیعه ما فریادرسی کنند. به وسیله آنان، دل مؤمن در تاریکی‌ها به خدا ایمان می‌آورد و همانا آنان مؤمنان حقیقی هستند». امام رضا علیه السلام پس از آن فرمودند: «چه کسی می‌تواند از آنان باشد؛ البته اگر بخواهد به همه مشکلات آنان برسد؟ در اینجا محمد بن اسماعیل بن بزیع گفت: فدای تو شوم چگونه؟! حضرت فرمودند: کسی که با شیعیان باشد و ما را به وسیله ادخال سرور در دل مؤمنان از شیعیان ما شادمان کند. پس ای محمد! تو از آنان باش» (خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۱۳۹). در روایت

دیگری امام علیه السلام رضایت خود را از محمد بن اسماعیل بیان داشته و می فرمایند دوست دارم شما نیز مانند او باشید:

«أَخْبَرْنَا وَالَّذِي رَحْمَهُ اللَّهُ قَالَ: أَخْبَرْنَا مُحَمَّدًا بْنَ عَلَى بْنِ الْحَسِينِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ
بْنُ عَلَى مَاجِلِوِيَّةٍ عَنْ عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلَى بْنِ مَعْبُودٍ عَنْ الْحَسِينِ بْنِ خَالِدٍ
الصَّيْرِفِيِّ. قَالَ: كَنَا عِنْدَ الرَّضَا علیه السلام وَنَحْنُ جَمَاعَةٌ فَذَكَرَ مُحَمَّدًا بْنَ إِسْمَاعِيلَ بْنَ بَزِيعَ
فَقَالَ: وَدَدْتُ أَنْ فِيكُمْ مُثْلِهِ» (رجال نجاشی، ص ۳۳۲).

صفوان نماینده امام در سازمان وکالت کوفه نیز با حمایت برخی از افراد مسائل سیاسی را

تحت کنترل داشت. به احتمال قوی صفوان در این راه از حمایت خاندان اشعث برخوردار بوده است؛ زیرا صفوان با جعفر بن محمد بن اشعث که از شیعیان بود و از افراد با نفوذ دستگاه خلافت عباسی به شمار می‌رفت، ارتباط نزدیک داشت (اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۳). البته صفوان فعالیت سیاسی خود را با یاری افرادی نظری محمد بن سنان، علی بن نعمان دوست نزدیک وی (رجال نجاشی، ص ۱۲۹) و ایوب بن نوح و جعفر بن احمد بن ایوب و حسن بن موسی و محمد بن الحسین بن ابی الخطاب انجام می‌داده است. بنابراین، در شبکه ارتباطی سازمان وکالت افرادی چون صفوان، محمد بن سنان که هسته‌های اصلی شبکه ارتباطی را شکل می‌دهند، در بیرون از سازمان نیز تشکیلات منسجم دیگری شکل داده‌اند که به گسترش شبکه ارتباطی سازمان کمک می‌کند. به ویژه صفوان به عنوان نماینده امام در سازمان وکالت، علاوه بر ارتباط با افراد درون سازمان، با تشکل‌های دیگری نیز ارتباط دارد که از طریق حمایت آنها می‌تواند به خوبی شبکه ارتباطی خود را با جامعه کوفه برقرار نماید. شبکه ارتباطی سازمان وکالت در اقدام مؤثر دیگری تقریباً بیشتر منصب‌های شرعی را به دست گرفته بود. ایوب بن نوح بن دراج، اسحاق بن ابراهیم حضینی و صفوان بن یحیی از وکلای اقتصادی امام رضا علیه السلام هستند. این افراد که از حيث تقوی و پاییندی به شریعت و اطاعت از رهبری بی‌نظر بودند، به سمت وکالت اقتصادی رسیده و وکیل امام در امور اقتصادی شدند. این افراد وجهات شرعی را جمع‌آوری می‌کردند و در اختیار امام قرار می‌دادند. مرحوم کشی در بیان شخصیت ایوب بن نوح بن دراج می‌نویسد:

«كَانَ فِي الصَّالِحِينَ وَكَانَ حَيْنَ مَاتَ وَلَمْ يَخْلُفْ إِلَّا مَقْدَارَ مَائِةٍ وَّ خَمْسِينَ دِينَاراً
وَكَانَ عِنْدَ النَّاسِ أَنْ عِنْدَهُ مَا لَا لَأْنَهُ كَانَ وَكِيلًا لَّهُمْ» (رجال کشی، ص ۵۷۲).

گزارش کشی نشان می‌دهد که ویزگی بارز نخبگان عرصه اقتصادی، امانت‌داری آنان بود؛
چنان که ایوب بن نوح بن دراج با وجودی که وجودات شرعی فراوانی در اختیار داشت، پس از
وفاتش تنها ۱۵۰ دینار از وی برخای مانده بود.

ایوب در کوفه مقام قضاوت را نیز بر عهده داشت و از این طریق به حل مسائل و اختلافات
جامعه کمک می‌کرد. نجاشی درباره وی می‌نویسد:

أبوالحسين كان وكيلاً لأبي الحسن وأبى محمد عظيم المنزلة عندهما مأموناً و
كان شديداً لورع كثيرة العبادة ثقة في روایاته وأبواه نوح بن دراج كان قاضياً بالكوفة و كان
صحيح الاعتقاد وأخوه جميل بن دراج (رجال نجاشی، ص ۱۰۲).

شبکه ارتباطی سازمان وکالت به گونه‌ای بود که می‌توانست افراد مستعد و آماده جامعه کوفه
را به امام وصل نماید. از جمله افرادی که سبب اتصال تعدادی به امام رضا علیهم السلام شد، حسن
بن سعید بن حماد بود که در کتب رجالی این گونه گزارش شده است:

ابن مهران مولی على بن الحسين علیهم السلام كوفي أهوازی يكنی أباً محمد هو الذى أوصل على
بن مهزیار و إسحاق بن إبراهیم الحصینی إلى الرضا علیهم السلام حتى جرت الخدمة على أيديهما
ثم أوصل بعد إسحاق بن على بن الريان و كان سبب معرفة الثلاثة لهذا الأمر و منه
سمعوا الحديث و به عرفوا و كذلك فعل بعد الله بن محمد الحصینی و صنف الكتب
الكثيرة. ويقال: إن الحسن صنف خمسين مصنفاً و سعيد كان يعرف بدنдан و شارك
الحسن أخيه الحسين في كتبه الثلاثين و كان شريك أخيه في جميع رجاله إلا في زرعة
بن محمد الحضرمي و فضالة بن أبیویب. فإن الحسين: كان يروی عن أخيه عنهما و كان
الحسن ثقة و كذلك الحسين أخيه (خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، ص ۳۹).

البته قابل ذکر است که امام علاوه بر ارتباط از طریق سازمان وکالت خود، گاهی به صورت
کاملاً دیپلماسی به کوفه سفر نموده، از نزدیک با اصحاب ارتباط برقرار می‌نمودند. بر اساس آنچه
در تاریخ اسلام نقل شده، امام رضا علیهم السلام تنها امامی است که دو سفر مهم علمی به دو شهر کوفه و
بصره داشته است (کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، ص ۲۳۸).

شرح کامل سفرهای علمی و جزئیات آن و اینکه امام به کدام مراکز علمی سر زده‌اند و دقیقاً
چه بحث‌هایی را مطرح کرده‌اند، در تاریخ ذکر نشده است، اما این موضوع روشن است که امام
آگاهانه کوفه را برای سفر خود برگزیدند، زیرا کوفه از زمان حضرت علی علیهم السلام که پایتخت جهان
اسلام شد به مهم‌ترین شهر شیعیان تبدیل گردید و با اینکه بعدها بغداد پایتخت جهان اسلام شد

و کوفه رو به افول رفت، اما در عصر امام هشتم همچنان جایگاه دینی و علمی و فرهنگی خود را از دست نداده بود. به نظر می‌رسد سفر امام بیشتر جنبه علمی داشته، زیرا نقل شده است که امام رضا قبل از حرکت، سفر خود را به اطلاع علمای آن دو شهر رساندند تا آنها خود را آماده مواجهه علمی با ایشان کنند.

بنابر آنچه بیان شد، امام رضا علیه السلام علاوه بر سفر به کوفه که امکان ارتباط نزدیک اصحاب با امام را در کوفه فراهم می‌کرد، از طریق ایجاد سازمان وکالت، با هسته مرکزی سازمان که متشكل از شخصیت‌های برجسته بود، با اصحاب در کوفه ارتباط دائم و مستمر داشتند.

چگونگی ارتباط امام رضا علیه السلام با اصحاب در بغداد

پیشینه تشیع در بغداد به زمان حضور سلمان فارسی یعنی سال ۳۶ هجری بازمی‌گردد. از آن پس، شیعیان در نهضت فرهنگی بغداد نقش حساس و مهمی داشتند. ابواسحاق ابراهیم، منجم شیعی نخستین کسی است که ساعت مناسب برای آغاز بنای شهر بغداد را به منصور اعلام داشت (دائرةالمعارف تشیع، ج ۴، ص ۲۶ - ۲۷).

منصور خلیفه عباسی پس از تثبیت موقعیت سیاسی خویش، پایتخت حکومتی خود را از کوفه به هاشمیه و از آنجا به بغداد منتقل ساخت. مردم نیز با او به سوی بغداد رسپار شدند؛ در نتیجه، این شهر مورد حمایت قرار گرفت. بغداد در قرن دوم هجری در سال ۱۴۵ به عنوان مرکز خلافت تعیین شد و به مدینةالسلام نام گرفت (الاخبار الطوال، ص ۴۲۵).

با تأسیس بغداد و آبادشدن آن به عنوان پایتخت عباسیان، و شروع ترجمه متون بیگانه به زبان عربی، عده‌ای از دانشمندان اسلامی در بغداد گرد هم آمدند و طبعاً شیعیان نیز از این فرصت برای طرح معارف شیعی بهره جستند (الإمام الصادق و المذاهب الأربعة، ج ۲، ص ۲۳۴). در این زمان، انتصاف برخی از شیعیان به سمت‌هایی از جمله وزارت و دیبری بی‌تأثیر نبود.

نجاشی در شرح حال فضل بن سلیمان، معروف به کاتب بغدادی گفته است:

او در زمان منصور و مهدی عباسی، حساب خراج و مالیات‌ها را می‌نوشت و از راویان امام ششم و هفتم علیه السلام بود (رجال نجاشی، ص ۲۱۶).

علی بن یقطین نیز تا پست وزارت، ارتقا یافت و توانست با سلاح تقيه، جز در چهار سال آخر عمر خود، این مقام را حفظ نماید و در آن سال بود که بر اثر سعایت بدخواهان، همچون مولای خود امام موسی بن جعفر علیه السلام به زندان افتاد (رجال نجاشی، ص ۱۹۴).

با توجه به اقامت امام موسی بن جعفر علیه السلام در بغداد که سبب گردآمدن بسیاری از دوستداران و شیعیان حضرت در بغداد شده بود، و با توجه به این که دولت عباسی به این شهر توجه ویژه‌ای داشت و آن را مرکز خلافت قرار داده بود و از سویی باید زمینه‌های حضور امام جواد علیه السلام در این شهر فراهم می‌شد، امام رضا علیه السلام نیز اوضاع این شهر را همچون شهر کوفه کنترل می‌کردند و از طریق سازمان وکالت خود در بغداد، با اصحاب و یاران ارتباط داشتند. امام علیه السلام به منظور برقراری ارتباط با اصحاب خود در بغداد، سازمان وکالتی شبیه به سازمان وکالت در کوفه را شکل دادند. بر اساس آنچه که منابع تاریخی و رجالی و روایی در اختیار می‌گذارد، به نظر می‌رسد هسته‌ی مرکزی سازمان وکالت امام در بغداد متتشکل از پنج نفر بوده که نماینده‌ی این سازمان در بغداد شخصیت برجسته‌ی شیعی محمد بن ابی عمير است. افراد سازمان وکالت امام در بغداد به علت نزدیکی به مرکز خلافت، آزادی عمل کمتری داشته و به شدت تحت کنترل حکام وقت بودند. به همین علت است که افراد سازمان وکالت بغداد و شبکه‌های ارتباطی آنها همچون کوفه و قم آشکار نیست. به نظر می‌رسد این سازمان در بغداد بیشتر به صورت مخفیانه فعالیت خود را انجام داده است. امام علیه السلام، محمد بن ابی عمير را نماینده خود در این سازمان قرار دادند. در بیان شخصیت او آمده است:

«ابن ابی عمير افقه من یونس و اصلاح و افضل» (رجال کشی، ص ۵۹۰).

ابن ابی عمير علاوه بر آن که در فقه و علم سرآمد دیگران بود، در دوران امام کاظم علیه السلام نیز با تحمل زندان و شکنجه، امتحان الهی را با موفقیت گذرانده بود. هارون الرشید برای پی بردن به نام اصحاب امام کاظم علیه السلام و شیعیانش در عراق، ابن ابی عمير را دستگیر و زندانی کرد. در زندان او را سخت شکنجه کردند و بیش از صد تازیانه به وی زندن تا نام اصحاب امام را فاش کرد: اما این صحابی پاک باخته‌ی امام، در برابر شکنجه مأموران «رشید» مقاومت کرد و زبان به افشاری نام یاران حضرت نگشود (اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۵۵).

پس از شهادت امام رضا علیه السلام محمد بن ابی عمير به دلیل نپذیرفتن منصب قضاؤت از طرف مأمون، بار دیگر به زندان افتاد. زندانی شدن او این بار چهار سال به طول انجامید و با شکنجه و آزار سنگین همراه بود؛ تمامی اموال او ضبط گردید و هنگامی که از زندان رهایی یافت، در نهایت تنگ دستی بود. شخصیت محمد بن ابی عمير، بر خلاف صفوان، یک شخصیت کلامی بود که از همان ابتدا در کنار اساتید کلامی حضور داشت. روایتی در اصول کافی است که دلیستگی محمد

بن ابی عمیر را به هشام بن حکم نشان می‌دهد:

سری بن ربيع می‌گوید:

ابن ابی عمیر کسی را (در علم و فضل) برابر هشام بن حکم نمی‌دانست و روزی از رفتن نزد او باز نمی‌ایستاد؛ تا آن که با او اختلافی پیدا نمود و از او قطع رابطه کرد، و علتش این بود که در موضوعی راجع به امامت، میان ابومالک حضرمی، که با هشام رابطه داشت، با ابن ابی عمیر مشاجره شد. ابن ابی عمیر گفت: «تمام دنیا ملک امام است و او از کسانی که دنیا را به تصرف دارند، سزاوارتر است» و ابو مالک گفت: «چنین نیست؛ املاک مردم متعلق به خود آنهاست، مگر آنچه را که به حکم خدا از آن امام گشته است مانند فیء و خمس و غنیمت که متعلق به امام است و آن را نیز خدا دستور داد که امام للّٰه به چه کسی باید بدهد و چگونه مصرف کند». این مشاجره را نزد هشام بن حکم بردند و هر دو به او راضی شدند، هشام موافق ابومالک و مخالف ابن ابی عمیر رأی داد، لذا ابن ابی عمیر خشمگین شد و پس از آن با هشام قطع رابطه کرد (الكافی، ج ۱، ص ۴۱۰).

او نیز نه تنها در فقه شیعه، بلکه در فقه اهل سنت نیز مهارت داشت؛ به همین علت مورد قبول اهل سنت بود.

شخصیت علمی ابن ابی عمیر بسیار ستودنی است. بنابر نقل ابن بطه، محمد بن ابی عمیر ۹۴ کتاب درباره‌ی عقاید و حدیث تألیف کرد (الفهرست، ج ۱، ص ۴۰۵).

بنابراین، امام با هوشیاری کامل، ابن ابی عمیر را نماینده‌ی سازمان وکالت در بغداد قرار دادند تا از هر نظر بر دیگران برتری داشته باشد و با توجه به این که شرایط کوفه با بغداد متفاوت بود^۱ امام، ابن ابی عمیر را گزینش نمودند تا مورد تأیید اهل سنت هم باشد. فعالیت ابن عمیر در کنار سایر شخصیت‌های برجسته که هسته اصلی سازمان را شکل می‌دادند، آغاز شد. با توجه به اوضاع بغداد و نزدیکی آنها به دستگاه خلافت، بیشتر شخصیت‌های سازمان وکالت امام دستگیر شدند و برای مدتی به زندان افتادند. افراد سازمان وکالت بغداد، بیشتر دارای شخصیت سیاسی بودند. ابوهاشم بغدادی از دیگر یاران امام در سازمان است که طبق تصویر منابع، ساکن بغداد بوده است (تاریخ بغداد او مدینة‌الاسلام، ج ۸، ص ۳۶۹). وی دارای ارتباطات حضوری با

۱. در کوفه، بیشتر مردم شیعه بوده و در بغداد، تمام مذاهب اهل سنت و شیعه در کنار هم می‌زیستند.

امام علی^ع بوده و در حرکت امام از مدینه به مردو، در شهر ایذه، به دیدار امام می‌رود (الخرائج و الجرائج، ج ۲، ص ۶۶۱). محمد بن عیسیٰ بن عبید نیز از دیگر شخصیت‌هایی است که در سازمان وکالت امام ایفای نقش می‌کند. خانواده او معروف به «آل یقطین» از خاندان مبارز شیعه در کوفه و بغداد بودند که در تشکیل هسته اولیه جامعه شیعی در بغداد، نقش اساسی داشتند. جد اعلای او، یقطین کوفی بغدادی، یکی از دعات بزرگ شیعه در عصر مروان اموی بود.

بسیاری از دانشمندان، محمد بن عیسیٰ را محدث و فقیهی جلیل‌القدر معرفی کرده‌اند. نجاشی مدح بلیغی از وی به عمل آورده و با الفاظی همچون «جلیل فی اصحابنا»، «ثقة»، «عين»، «کثیر الروایة» و «حسن التصانیف»، او را ستوده است (رجال نجاشی، ص ۳۳۳). علامه حلی وی را در قسم اول خلاصه الرجال (که مخصوص راویان تقه است) ذکر کرده است (خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۱۴۲). تنها شیخ طوسی در رجال خود، به پیروی از شیخ صدوق، او را تضعیف کرده است (الرجال، ص ۳۹۱)، اما علامه مامقانی و مرحوم خوئی در رجال خود به شدت از وثاقت و جلالت او دفاع کرده و پس از تحقیقی مبسوط، به توجیه نظریه شیخ طوسی و صدوق پرداخته‌اند (معجم الرجال الحديث، ج ۱۷، ص ۱۱۶ - ۱۱۷).

آنچه در سازمان وکالت امام در بغداد بیش از همه جلب توجه می‌نماید، حضور افرادی است که آشکارا با دولت عباسی به مبارزه برخاسته‌اند. به نظر می‌رسد برآیند ارتباط امام با سازمان وکالت ایجاد، ارتباطی را در بغداد ایجاد کرده که بیشترین نفوذ این شبکه در عرصه سیاسی است؛ بنابراین، شاهد مبارزات سیاسی سازمان با مأموران عباسی هستیم. برای نمونه، ابوهاشم نسبت به حکام ظلم و جور، در نهایت بی‌پرواپی و جسارت بود و با خلفای عباسی درگیری‌هایی داشته (تاریخ البغداد او مدینة الإسلام، ج ۸، ص ۳۶۹) و به سبب همین انتقادات، چندین بار به زندان افتاده است (تاریخ طبری، ج ۹، ص ۳۶۹ - ۳۷۱، إعلام الورى باعلام المهدى، ص ۳۵۴ - ۳۵۵). پس از قیام و شهادت یحیی، زمانی که سر وی رانزد محمد بن عبدالله طاهری آورده بودند، عده‌ای این پیروزی را به وی تبریک می‌گفتند. اما ابوهاشم بدون هیچ واهمه‌ای وارد دربار حکومت جور وقت می‌شود و در کمال جسارت، خطاب به حاکم می‌گوید:

ای امیر! برای قتل کسی تبریک می‌گویند که اگر رسول خدا^ع زنده بود، ایشان را بدین مصیبت تسليت می‌گفتند (مروج الذهب و معادن الجوهر، ج ۲، ص ۵۵۳؛ الكامل فی التاریخ، ج ۱۱، ص ۲۹۴ - ۲۹۵).

در منابع نقل شده که همه از این سخن متأثر شدند و کسی نتوانست سخنی گوید (مقالات الطالبین، ص ۵۹۴).

اما با این وجود، جایگاه وی نزد زمامدارن محترم شمرده می‌شد؛ چنانکه در سال ۲۵۱ هـ. ق در جریان شورش کوفه به رهبری حسین بن محمد علوی، ابوهاشم جعفری از طرف مزاحم بن خاقان، کارگزار عباسی، به عنوان میانجی مذاکره با حسین علیه السلام فرستاده شد (تاریخ طبری، ج ۹، ص ۳۲۸).

عیسی بن سلیمان نیز از دیگر افراد سازمان وکالت امام در بغداد است که بر اساس گزارشات کتاب‌های رجالی و روایی، به نظر می‌رسد مرجع و منبع رجوع مردم بوده است. گزارش کشی مؤید این سخن است:

قال کنا فی مجلس عیسی بن سلیمان ببغداد فجاء رجل إلى عیسی فقال: أردت أن أكتب إلى أبي الحسن الأول علیه السلام فی مسألة أصله عنها: جعلت فداك عندنا قوم يقولون بمقالة يونس فأعطيهم من الزكاة شيئاً؟ قال فكتب إلى: نعم أعطهم فإن يونس أول من يجيب عليا إذا دعى قال كنا جلوسا بعد ذلك فدخل علينا رجل فقال قد مات أبوالحسن موسى علیه السلام و كان يونس في المجلس فقال يونس: يا معاشر أهل المجلس أنه ليس بيبي و بين الله إمام إلا على بن موسى علیه السلام فهو إمامي (رجال کشی، ص ۴۹۰). با توجه به این گزارش، عیسی بن سلیمان در زمان امام، جلساتی در بغداد تشکیل می‌داده و در آن به بررسی مسائل شرعی مردم می‌پرداخته است.

با توجه به آنچه بیان شد، سازمان وکالت امام در بغداد با وجود خفقان و فشار حکام عباسی با درایت امام و رهبری و مدیریت ابن ابی عمير در کنار سایر شخصیت‌های برجسته توانست شبکه ارتباطی خود را در عرصه‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گسترش دهد؛ به گونه‌ای که بغداد به یکی از حوزه‌های مهم حدیثی شیعه تبدیل شد.

چگونگی ارتباط امام رضا علیه السلام با اصحاب در قم

شهر مقدس قم از همان ابتدای نیمه قرن اول هجری، شاهد ورود طوایفی از مسلمانان عرب بود که عمدتاً به ذلیل سیاسی از سرزمین عراق و برخی دیگر از نقاط به سوی ایران هجرت کردند، مانند جماعتی از بنی اسد که بعد از قیام مختار در سال‌های ۶۶ و ۶۷ هـ. ق وارد قم شدند و در محل جمکران استقرار یافته‌ند. سپس طایفه‌هایی از بنی غنیم، بنی مذحج، و بنی قیس به قم آمدند.

طایفه اول در روستای چاباق و برقع و دسته دوم و سوم در کنار رودخانه که بعدها به قبیله معروف شد، سکنا گردیدند (تاریخ قم، ص ۲۵۱؛ تاریخ تشیع، ص ۱۶۵). در منابع دیده می‌شود بیشتر افرادی که در دوره امویان مخالف دولت بنی امية و تحت تعقیب بودند، به قم و کاشان و سرزمین‌های مجاور این منطقه روی آوردند (تاریخ قم، ص ۲۵۱).

به نقل مؤلف تاریخ قم، جماعتی از قبیله‌های تیم، قیس، عنزه و اشعری (تاریخ قم، ص ۲۴۰)، و به نقل یاقوت حموی هفده نفر از علماء، تابعان و بزرگان عرب از جمله فرزندان سعد بن مالک اشعری در سپاه ضد اموی عبدالرحمن بن اشعث شرکت داشتند که پس از شکست این سپاه در سال ۸۴ ه. ق، همه بین طوایف رو به سوی قم نهادند و به ترتیب در روستای طیران و روستاهایی که به آنها اشاره شد، استقرار یافتد (تاریخ حموی، ج ۴، ص ۳۹۷). پس از استقرار اشعریان در قم، این شهر همچنان پذیرای مبارزان سیاسی بود. گردآمدن افرادی که همه دارای گرایش ضد اموی بودند، تفکر شیعی را در این شهر گسترش داد. در زمان امام رضا علیه السلام با توجه به اقامت امام در خراسان و هجرت امامزادگان به ایران، قم به عنوان مهمترین شهر شیعی ایران شناخته می‌شد که بسیاری از بزرگان شیعه را در خود جای داده بود. امام علیه السلام به منظور حفظ تشیع و گسترش آن در این شهر، سازمان وکالت را با حضور افرادی چون یونس بن عبدالرحمن، زکریا بن آدم، ابراهیم بن هاشم، عبد العزیز بن مهتدی قمی، محمد بن اورمه، احمد بن محمد بن عیسی، زکریا بن ادریس ایجاد نمودند. سازمان وکالت امام در قم، مانند کوفه و بغداد، نیاز به نماینده‌ای داشت که بتواند در شرایط دشوار و سخت جانشین امام علیه السلام باشد. از طرفی، اختلاف آراء کلامی در قم سبب شده بود بین اصحاب، حتی در درون سازمان وکالت، اختلافات عمیقی ایجاد شود. به همین دلیل، انتخاب نماینده‌ای که بتواند سازمان را به خوبی هدایت کند، کار بسیار مشکلی است. از سویی، یونس بن عبدالرحمن با ویژگی‌هایی که دارد برترین شخصیت قمی است که می‌تواند نماینده امام در سازمان وکالت باشد؛ اما امام، با توجه به علم، دین‌شناسی و بصیرتی که یونس دارد، وظیفه‌ای سنگین‌تر از نمایندگی سازمان وکالت را به اوی دادند؛ موقعیت یونس به گونه‌ای است که بیشتر در سفر است و کمتر در قم اقامت دارد؛ بنابراین، امام، زکریا بن آدم را به عنوان نماینده خود در قم معرفی می‌نمایند. البته یونس نیز رهبری هسته مرکزی سازمان را با وجود سایر وظایف و نقش‌ها، به عهده دارد. به هر حال، امام بر مرجعیت هر دو در قم تأکید دارند. علی بن مسیب همدانی که از ثقات اصحاب امام رضا علیه السلام است، می‌گوید: به امام علیه السلام عرض

کردم که راه من دور است و نمی‌توانم همیشه به محضر شما شرفیاب شوم؛ احکام دینم را از چه کسی بپرسم؟ امام علیه السلام فرمودند:

مِنْ زَكْرِيَا ابْنِ آدَمَ الْفُقِيمِ الْمَأْمُونَ عَلَى الدِّينِ وَالدُّنْيَا، قَالَ عَلَى بْنِ الْمُسَيْبِ: فَلَمَّا أَنْصَرْتُ قَدَّمْتُ عَلَى ذَكْرِيَا بْنَ آدَمَ فَسَأَلْتُهُ، عَمَّا اخْتَجَّ إِلَيْهِ (رجال کشی، ص ۵۹۵). از زکریا بن آدم قمی بپرس که امین دین و دنیاست. علی بن مسیب می‌گوید: پس از مرخص شدن از محضر امام علیه السلام نزد زکریا بن آدم رفتم و از هر چه نیاز داشتم، سؤال نمودم.

وضعیت قم و اختلافات به گونه‌ای بود که گاه سبب می‌شد برخی از خواص امام مانند زکریا، قصد خروج از قم را داشته باشد. امام به اندازه‌ای با دقیق و بصیرت تمام به گزینش افراد دست زده بودند که وقتی زکریا به منظور دوری از سفیهان، از امام کسب اجازه کرد تا از قم خارج شود، امام با او مخالفت نمودند و از او خواستند تا در قم بماند و مانع انحراف جامعه و بستگان خود گردد. امام به وی فرمودند:

لَا تَقْعَلْ فَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِكَ يَدْفَعُ عَنْهُمْ بِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَهْلِ بَغْدَادٍ بِأَيِّ الْحَسْنِ الْكَاظِمِ علیه السلام
(رجال کشی، ص ۵۹۴)

این کار را مکن؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی به خاطر تو، خانواده تو را از بلایا حفظ خواهد کرد؛ همان‌طور که مردم بغداد را از برکت امام کاظم علیه السلام از بلایا حفظ می‌فرماید. امام به دلیل اختلافات موجود در قم، سازمان وکالتی متفاوت از سازمان وکالت در کوفه و بغداد شکل دادند. این اختلاف، هسته مرکزی سازمان را هم به طرز آشکاری در بر گرفته است. در برخی منابع ذکر شده است: عزیز بن مهتدی وکیل حضرت رضا علیه السلام در قم، ضمن نامه‌ای از شأن یونس پرسید؛ آن حضرت در پاسخ، با خط مبارکش چنین نوشت:

او را دوست بدار و برای او طلب رحمت کن؛ گرچه همه‌ی مردم شهر با تو در این مورد مخالفت کنند (اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۲۷).

این موضوع، بیانگر عمق اختلافات در قم است. امام علیه السلام در اولین مرحله، زکریا بن آدم را نماینده خود در پاسخ‌گویی به مسائل دینی مردم معرفی نمودند و در اقدامی دیگر، یونس بن عبدالرحمن را، که سلمان زمان خود بود، به عنوان نماینده وکلا و خواص و نخبگان جامعه رضوی تعیین نمودند. انتخاب یونس به این سمت، به علت دین‌شناسی وی است. توان علمی

یونس بن عبدالرحمن در حوزه مسائل دینی به آن اندازه بوده که امام به خواص جامعه سفارش می‌کند که مسائل دینی خود را از یونس فراگیرید:

حدثی عبد العزیز بن المهدی و کان خیر قمی رأیته و کان وکیل الرضا علیه السلام و خاصته

فقال: إِنِّي سَأْلُتُهُ فَقَلَّتْ: إِنِّي لَا أَقْدِرُ عَلَى لِقَائِكَ فِي كُلِّ وَقْتٍ فَعَمِّنْ أَخْذُ مَعَالِمَ دِينِي؟

فقال: خذ عن یونس بن عبدالرحمن. و هنده منزلة عظيمة (رجال نجاشی،

ص ۴۴۶).

نکته حائز اهمیت در این گزارش این است که خطاب امام رضا علیه السلام به فردی عادی از شهروندان جامعه شیعی نبوده، بلکه به وکیل خود، عبد العزیز بن المهدی است. پس توان علمی یونس به اندازه‌ای است که امام، خواص جامعه شیعی را به وی ارجاع می‌دهد. از سویی، امام اوضاع قم و اختلافات را پیگیری نموده و در برخی موارد راهکارهایی را به نمایندگان خود در سازمان جهت خنثی‌سازی اختلاف ارائه می‌دهند. گزارشی در منابع رجالی بیان شده که نشان می‌دهد امام به یکسان‌بودن توان اندیشه‌ورزی در قم توجه داشته و با توجه به مسؤولیت سنگین یونس، از وی می‌خواهد در ارتباطات خود با افراد، توان اندیشه‌ورزی آنان را مدنظر قرار داده و بر اساس آن با مردم سخن بگوید:

ای یونس! با مردم در مورد آموزه‌های آشنا سخن بگو و آنچه را نمی‌دانند، رها کن (رجال کشی، ص ۴۸۸).

با توجه به این گزارش‌ها، به نظر می‌رسد نمایندگان امام، یونس بن عبدالرحمن و زکریا و پس از آن دو، وکیل امام، عبد العزیز بن المهدی، بیشترین ارتباط را با امام داشته‌اند. این ارتباط به هر دو صورت حضوری و مکاتبه‌ای دیده می‌شود. دیدار یونس و زکریا بیشتر به صورت حضوری و دیدار عبد العزیز بن المهدی مکاتبه‌ای بوده است. ارتباط حضوری در محل استقرار امام یا در سفرهای زیارتی امام رخ می‌داد. زکریا بن آدم نماینده امام در قم یک سال از مدینه تا مکه و در اعمال حج همسفر و مصاحب امام رضا علیه السلام بود. شیخ کشی به سند معتبر روایت می‌کند که زکریا بن آدم گفت: یک شب تا طلوع فجر که امام برخاست و نماز فجر خواند با امام علیه السلام از علوم و اسرار بحث کردم (رجال کشی، ص ۶۱۶). برآیند این ارتباط مستمر در جامعه شیعی قم، ایجاد شبکه ارتباطی گسترده‌ای است که سبب می‌شود افراد زیادی گرد نمایندگان امام در سازمان وکالت جمع شوند و حلقه منسجمی از شیعه در قم، با رهبری امام از طریق سازمان وکالت شکل گیرد. افرادی همچون عباس بن معروف قمی، ریان بن شیب و احمد بن محمد خالد برقی از محضر

یونس بن عبدالرحمن به عنوان نماینده امام و راوی برجسته در قم بهره‌های فراوان برداشت. ابراهیم بن هاشم قمی از کوفه به قم آمد و به ترویج حدیث کوفه در قم می‌پردازد (اصوات علی عقائد الشیعة الامامية، ص ۳۳۶). به نظر می‌رسد بیشترین ارتباط سازمان وکالت با توجه به شخصیت حدیثی یونس، در حوزه نشر حدیث است. احمد بن محمد بن عیسی از یاران امام رضا علیهم السلام است که می‌توان وی را از جمله پایه‌گذاران مکتب حدیث در حوزه قم نامید. وی در تشخیص احادیث صحیح صاحب سبک بوده و در مورد نقل احادیث به شدت احتیاط می‌کرده است. همین رویه از سوی وی در مورد سایر راویانی که به قم مهاجرت می‌کردند، دیده می‌شود تا جایی که هر راوی را که از راویان ضعیف، حدیث نقل می‌کرده، از قم اخراج می‌نموده و اجازه نشر آنچه را منطبق بر موازین نمی‌دانسته، نمی‌داده است (تفقیح المقال فی علم الرجال، ج ۱، ص ۹۰).

بنابراین، امام به منظور ارتباط با اصحاب در قم، سازمان وکالت را شکل داده و از طریق این سازمان، شبکه ارتباطی گسترده‌ی در جامعه شیعی قم به وجود آمد که اوضاع سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و دینی جامعه را به نفع شیعیان در کنترل داشت.

تحلیل چگونگی ارتباط امام علی با اصحاب خود در کوفه، قم و بغداد

ارتباط با اصحاب در هر عصری مورد توجه امامان علیهم السلام بوده است. این ارتباط در زمان امام رضا علیهم السلام با توجه به گستردگی جهان اسلام و پراکندگی شیعیان در نقاط گوناگون اعم از عراق، حجاز، ایران، یمن و مصر، و با توجه به وسائل ارتباطی آن عصر و نیز فراوانی پیروان، قابل بحث و بررسی است. در میان شهرهای جهان اسلام، سه شهر کوفه، بصره و بغداد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کوفه از این جهت مهم است که با فعالیت و تلاش بزرگانی چون امام علی علیهم السلام به شهری تبدیل شده است که بیشتر جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. بنابراین، حفظ موجودیت شیعه و گسترش آن در این شهر از اقدامات امام علی علیهم السلام است که این مسئله نیازمند برقراری ارتباط مستمر می‌باشد. شهر بغداد از این نظر قابل توجه است که خلفای عباسی این شهر را مرکز خلافت قرار داده و امام قبل یعنی امام کاظم علیهم السلام در این شهر استقرار داشته‌اند و همین موضوع سبب شده است بزرگان و علمای جهان اسلام در محل استقرار امام سکونت گزیده باشند. بنابراین، ارتباط امام با بغداد یعنی کنترل دستگاه خلافت عباسی و ختنی‌سازی برنامه‌های ضد شیعی آنها. گسترش شیعه در بغداد می‌تواند عامل مقاومت در برابر خلافت عباسی باشد. شهر قم نیز به عنوان اولین شهر شیعی ایران با توجه به نزدیکی به خراسان، که

محل سکونت امام است، حضور مخالفان بنی امیه و چهره‌های مبارز سیاسی، می‌تواند به مرکزی برای استقرار شیعیان تبدیل شده که به دور از دستگاه خلافت عباسیان به فعالیت دینی و مذهبی خود ادامه دهند. این موارد ضرورت ارتباط امام را با این سه شهر نشان می‌دهد. امام علی^{علیه السلام} به منظور ارتباط با همه اصحاب خود، چند اقدام اساسی انجام دادند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. ایجاد شبکه‌های ارتباطی از طریق سازمان وکالت: امام علی^{علیه السلام} سازمان وکالت در هر سه شهر را با حضور نخبگان آن شهرها تأسیس کردند. اساس سازمان وکالت در هر سه شهر یکی بود؛ اما با توجه به تفاوت هر یک از شهرها، سازمان وکالت در این شهرها از تفاوت‌هایی برخوردار بود. سازمان وکالت در کوفه با توجه به آنکه اکثریت جمعیت آن شیعه بودند و کسانی در این محل استقرار داشتند که همگی ارتباط با معصوم را در دوره‌های قبل تجربه کرده بودند، از انسجام بیشتری برخوردار بود و شخصیت‌های درون سازمان به خوبی می‌توانستند از طریق ایجاد شبکه‌های ارتباطی، زمینه ارتباط امام با جامعه را ایجاد نمایند. صفوان بن یحیی، محمد بن سنان و احمد بن محمد بن ابی نصر شخصیت‌های برجسته‌ای بودند که در این سازمان فعالیت داشتند. در سازمان وکالت بغداد با توجه به اکثریت اهل سنت در بافت جمعیتی آن، حضور عباسیان در این شهر و ممانعت علی آنها از فعالیت شیعه، امام علی^{علیه السلام} این ابی عمری را که از شخصیت‌های مورد احترام اهل تسنن بود، به رهبری سازمان برگزیدند تا از این طریق بتوانند شبکه ارتباطی خود را به اهل تسنن نیز بکشانند. از سویی، وجود خفغان و از سویی، اعمال فشار عباسیان در بغداد باعث شد امام به گزینش کسانی پردازند که چهره مبارز سیاسی داشتند تا سازمان بتواند در برابر حاکمان عباسی بایستد و ارتباط امام با شیعه حفظ شود. در قم وجود اختلافات به اندازه‌ای بود که امام به صورت مرتباً، ارتباط خود را با نمایندگان درون سازمان، همچون یونس و زکریا برقرار نموده و از وکلا و خواص جامعه می‌خواستند تا با احترام به یونس و پذیرش مرجعیت وی، به وحدت هسته مرکزی سازمان کمک نمایند. بنابراین، اولین اقدام امام برای ارتباط مستمر با همه اصحاب در این سه شهر، ارتباط از طریق سازمان وکالت بود.

ب. دومین اقدام امام علی^{علیه السلام} سفر به برخی از این مراکز بود. در منابع تاریخی، سفر امام به کوفه گزارش شده است. همچنین هجرت امام علی^{علیه السلام} از مدینه به خراسان و توقف در برخی از شهرها سبب شد تا دوستداران امام بتوانند از نزدیک با ایشان دیدار حضوری داشته باشند.

ج. اقدام دیگر امام امکان برقراری ارتباط در مکه در ایام حج بود. ایام حج بهترین زمان به منظر ایجاد ارتباط احصای سازمان وکالت با امام بود. نمونه‌های متعددی از حضور امام در مکه

در ایام حج و ارتباط با نمایندگان دیده می‌شود. منابع رجالی و تاریخی گزارش نموده که برخی از شخصیت‌های برجسته و نخبگان عصر رضوی چون صفوان، یونس، ابن ابی‌عمری بیش از صد حج انجام داده‌اند که چنین مسئله‌ای، این فرضیه را اثبات می‌کند این افراد چون رابط بین شهر خود و امام بوده‌اند، همیشه در سفر به مکه و مدینه بوده و همین، عاملی برای انجام فریضه حج هم بوده است.

د. اقدام دیگر امام، شاگردپوری بود. امام در مدینه یا در خراسان با تشکیل مجالس علمی این امکان را فراهم می‌کردند تا یاران و دوستان ایشان از سراسر مناطق به حضور ایشان آمدند و از ارتباط با ایشان بهره‌مند شوند. به عنوان نمونه، سعد بن سعد از قم به خراسان یا مدینه سفر کرد تا بتواند از محضر امام کسب فیض نماید. از سویی دیگر، امام با برگزاری جلسات مناظره و حضور در این جلسات سبب می‌شدند تا جمع بسیاری در این گونه مخالف، ایشان را از نزدیک مشاهده و ارتباط برقرار کنند.

ه. ارتباط عمومی با همه افراد: منزل امام در محل استقرارشان در مدینه و خراسان محل آمد و شد اصحاب بود. این موضوع به اندازه‌ای اهمیت داشت که امام در هجرت خود به خراسان هم به ایجاد ارتباط در محل استقرار توجه داشتند؛ به گونه‌ای که در تاریخ ثبت شده است: احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنطی می‌گوید: «در قادسیه به استقبال حضرت رضا^{علیه السلام} رفتم. پس از اینکه خدمتش رسیدم فرمود: برای من انافق اجاره کن که دارای دو در باشد، دری به حیاط باز شود و دری به بیرون تا مراجعه کنندگان به آزادی رفت و آمد کنند» (جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا^{علیه السلام} از مدینه تا مرو، ص ۲۷).

و. ارتباط خصوصی با خواص از دیگر اقدامات امام بود. امام معمولاً با هسته مرکزی سازمان وکالت در شهرهای مختلف ارتباط مستمر داشتند و گاهی این ارتباطات به اقامت شب در منزل امام منجر می‌شد. بزنطی می‌گوید:

روزی خدمت حضرت رضا^{علیه السلام} رسیدم. صفوان بن یحیی و محمد بن سنان هم با من بودند. مدتی در خدمت آن حضرت نشستیم و بعد برخاستیم تا از محضر ایشان برویم. فرمودند: «ای احمد! شما بنشین». من بار دیگر نشستم. امام^{علیه السلام} با من شروع به سخن کرد. من مسائلی از آن جناب پرسیدم و پاسخ می‌گرفتم تا مدتی از شب گذشت. هنگامی که تصمیم گرفتم از منزلش بیرون شوم، حضرت فرمود: ای احمد! می‌روی یا در اینجا می‌مانی؟ عرض کردم: قربانت گردم هر طور اراده فرمایی عمل می‌کنم.

فرمود: در اینجا باش؛ اکنون همه مردم خوابیده‌اند و پاسبانان در شهر گردش می‌کنند.
 حضرت برخاست و به اطاق دیگری رفت من در آن موقع سجده شکر به جای آوردم و
 گفتم: حجت خداوند برای من ارزش قائل شد و مرا از میان دوستان انتخاب کرد و در
 منزل خود نگاه داشت. هنوز در سجده شکر بودم که دیدم با پای مبارک خود مرا متوجه
 کرد و من برخاستم و دست مرا گرفت و فشار داد و سپس فرمود: «ای احمد! علی علیّ
 به عیادت صعصعه بن صححان رفت. هنگامی که از منزل او بیرون می‌شد فرمود: ای
 صعصعه به برادرانت افتخار نکن که من به عیادت شما آمدهام. اینک از خداوند بترس و
 متوجه اعمالت باش.» این سخن را به من فرمود و به حرم شریف خود بازگشت (رجال
 کشی، ۵۸۷-۵۸۸).

ز. ایجاد سازمان وکالت مرکزی: از دیگر اقدامات امام علی علیّ علاوه بر ایجاد سازمان وکالت در
 هر یک از شهرها، ایجاد سازمان وکالت مرکزی بود که معمولاً نمایندگان و شخصیت‌های
 بر جسته در هر یک از شهرها در آن گرد آمده و به بحث و بررسی و رفع اختلافات جامعه شیعی
 جهان اسلام می‌پرداختند. یک نمونه از آن را کلینی نقل نموده که حکایت از این واقعه دارد:
 محمد بن عیسی بن عبید گوید: من و ابن فضال نشسته بودیم که یونس وارد شد و
 گفت: من خدمت امام رضا علیّ رسیدم و عرض کردم: قربانت. مردم درباره عمود (از نور
 که برای امام برافراشته شود) سخن بسیار گویند. به من فرمود: ای یونس! تو چه
 عقیده داری؟ خیال می‌کنی عمودی از آهن است که برای امام افراشته می‌شود؟
 عرض کردم: نمیدانم، فرمود: او فرشته‌ایست گماشته در هر شهر که خدا به وسیله او
 اعمال مردم آن شهر را به امام رساند، ابن فضال برخاست و سر او را بوسید و گفت:
 خدایت رحمت کند ای ابا محمد! که همواره برای ما حدیث درستی که خدا بدان مشکل
 ما را می‌گشاید، می‌آوری» (الكافی، ج ۱، ص ۳۸۸).

این گزارش نشان می‌دهد که یونس رهبری سازمان وکالت امت اسلام را بر عهده دارد؛ به
 همین سبب است که دیده می‌شود یونس با شخصیت‌های بر جسته در قم، بغداد، کوفه و بصره
 ارتباط دارد.

موارد بسیاری در کتب رجالی وجود دارد که نشان می‌دهد افراد بر جسته در شهرهای مختلف
 با یکدیگر در ارتباط بوده و ملاقات‌های متعددی به منظور حل اختلاف امت اسلام داشته‌اند.

نمونه بارز آن زمان شهادت امام رضا علیه السلام است که همگی به منظور تعیین جانشین در بغداد گرد آمدند.

ریان بن صلت، صفوان بن یحیی، محمد بن حکیم، علی بن حسان ثابتی، اسحاق بن اسماعیل بن نوبخت و یونس بن عبدالرحمن با گروه دیگری از شیعیان در یکی از محله‌های بغداد بنام برکه زلزل شهر بغداد در خانه عبدالله بن حجاج برای عزاداری اجتماع کردند. یکی از شیعیان برخاست و گفت: گریه را رها کنید تا مسئله رهبری را تحقیق کنیم. تصیم بر این شد که عده‌ای از بزرگان شیعه نزد امام جواد علیه السلام بروند و مسئله را تحقیق کنند (بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۹۹).

نتیجه‌گیری

مذهب تشیع با مجاهدت‌ها و تدابیر امامان در طول تاریخ روندی رو به رشد داشته است؛ به طوری که در عصر امام رضا علیه السلام، هواداران و پیروان ایشان در سرزمین‌های اسلامی پراکنده بودند؛ چنان که نگاهی به فهرست اسامی شاگردان امام، این مدعای اثبات می‌کند. اینک جای این سؤال باقی است که رابطه امام علیه السلام با پیروانشان در بلاد مختلف و هدایت و رهبری ایشان به چه ترتیب و با چه ساز و کاری صورت می‌گرفته است؟ به منظور پاسخ به این سؤال، با مرور تاریخ دوران امام رضا علیه السلام این نتیجه حاصل شد که در آن زمان، سه شهر بغداد، کوفه و قم از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بوده و از سویی فاصله محل استقرار امام با این سه شهر زیاد است. امام علیه السلام به طرق زیر با اصحاب خود در ارتباط بودند:

- ایجاد سازمان وکالت؛
- ایجاد سازمان وکالت مرکزی؛
- ایجاد شبکه‌های ارتباطی از طریق سازمان وکالت؛
- سفر به برخی مراکز حساس چون کوفه و بصره؛
- برقراری ارتباط در مکه در ایام حج؛
- تربیت شاگرد و تشکیل جلسات درسی در محل استقرار امام؛
- امکان ارتباط عمومی برای همه افراد.

ارتباط مستمر امام با مراکز حساس و مهم سبب می‌شد تا جامعه شیعی در عرصه‌های دینی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی تحت کنترل امام باشد.

كتاب نامه

- الاخبار الطوال، دينوری، ابوحنیفه احمد بن داود، ترجمه: مهدوی دامغانی، محمود، تهران: نشرنی، چاپ چهارم، ۱۳۷۱ ه. ش.
- اختیار معرفة الرجال، طوسی، محمد بن حسن، تصحیح، میرداماد استرآبادی، محقق: رجایی، سید مهدی، قم: مؤسسه آل الیت علیهم السلام، ۱۴۰۴ ه. ق.
- اضواء على عقائد الشيعة الامامية، سبحانی، جعفر، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیهم السلام، ۱۴۲۱ ه. ق.
- إعلام الورى باعلام الهدى، طبرسى، أبوعلى فضل بن حسن، تحقيق: غفاری، على اکبر، تهران: مکتبة العلمية الاسلامیة، ۱۳۳۹ ه. ق.
- اعيان الشیعه، امین، سیدمحسن، تحقیق: امین، سیدحسن، بیروت: دارالمعارف للمطبوعات، ۱۴۲۰ ه. ق.
- الإمام الصادق و المذاهب الأربعة، حیدر، اسد، بیروت: دار التعارف، ۱۴۲۲ ه. ق.
- بحار الأنوار، مجلسی، محمدباقر، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ه. ق.
- بصائر الدرجات، صفار، محمد بن حسن، تحقيق: کوچه‌باغی، میرزاحسن، تهران: اعلمی، ۱۴۰۴ ه. ق.
- پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، معارف، مجید، تهران: مؤسسه فرهنگی ضریح، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه. ش.
- تاریخ بغداد او مدینة الاسلام، خطیب بغدادی، احمد بن علی، تحقيق: عطا، مصطفی عبد القادر، بیروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۳۹۵ ه. ق.
- تاریخ الیعقوبی، یعقوبی، احمد بن واضح، بیروت: دار صادر، بیتا.
- تاریخ تشیع، جعفریان، رسول، تهران: علم، ۱۳۸۷ ه. ش.
- تاریخ طبری، طبری، محمد بن جریر، بیروت: دارالكتب العلمیه، بیتا.
- تاریخ قم، قمی، حسن بن محمد، تحقيق: انصاری، محمدرضا، ترجمه: قمی، علی بن محمد، قم: کتابخانه حضرت آیت الله عظمی مرعشی، ۱۳۸۵ ه. ش.

- تفییح المقال فی علم الرجال، مامقانی، شیخ عبدالله، نجف: المطبعة المرتضویة، چاپ اول، ۱۴۰۳ ه. ق.

- چغرافیای تاریخی هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو، عرفان منش، جلیل، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه. ش.

- حیة الامام الرضا علیه السلام، قرقشی، باقر شریف، بیروت: منشورات سعید بن جبیر، بی‌تا.

- الخرائج والجرائح، راوندی، قطب الدین، تحقیق: مؤسسه الامام المهدی (عج)، قم: نشر مؤسسه الامام المهدی (عج)، بی‌تا.

- خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، حلی، حسن بن یوسف، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ ه. ق.

- دائرة المعارف تشیع، حاج سیدجوادی و دیگران، احمد صدر، تهران: انتشارات سازمان دایرة المعارف تشیع، ۱۳۱۸ ه. ش.

- دلائل الامامة، طبری آملی، محمد بن جریر، قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۳ ه. ق.

- رجال ابن داود، ابن داود حلی، تقی الدین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ه. ش.

- رجال کشی، کشی، محمد بن عمر، تحقیق: رجایی، مهدی، قم: مؤسسه آل البيت، بی‌تا.

- رجال نجاشی، نجاشی، احمد بن علی، تحقیق: شبیری زنجانی، سید موسی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ ه. ق.

- الرجال، طوسی، محمد بن حسن، تحقیق: قیومی اصفهانی، جواد، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ ه. ق.

- عيون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین، تحقیق: اعلمی، شیخ حسین، بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه. ق.

- عيون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین، ترجمه: غفاری و مستفید، تهران: صدوق، ۱۳۷۲ ه. ش.

- الغيبة، طوسی، محمد بن حسن، تحقیق: طهرانی، عبادالله و ناصح، علی احمد، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه. ق.

- الفهرست، ابن ندیم، محمد بن اسحاق، ترجمه و تحقیق: تجدد، محمدرضا، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶ ه. ش.

- الفهرست، طوسی، محمد بن حسن، نجف: مکتبة المرتضویة، بی‌تا.

- الكافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تصحیح و تعلیق:، غفاری، علی اکبر، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۸ ه. ش.
- الكامل فی التاریخ، ابن اثیر، ابوالحسن علی بن ابیالکرام الشیبانی، تحقیق: شیری، علی، بیروت: دار إحياء التراث، ۱۴۰۸ ه. ق.
- کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، رجبی، محمدحسین، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۸ ه. ش.
- مروج الذهب و معادن الجوهر، مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، تحقیق: محی الدین عبدالحمید، محمد، بیروت: دارالمعرفة، بیتا.
- معجم البلدان، حموی، شهابالدین یاقوت بن عبدالله، تصحیح: مرعشی، محمد عبدالرحمن، بیروت: دار إحياء التراث العربي و مؤسسه التاريخ العربي، بیتا.
- معجم الرجال الحديث، خویی، سید ابوالقاسم، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۳۶۹ ه. ش.
- مقائل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، علی کاتب، تحقیق: صقر، سیداحمد، بیروت: دارالمعرفة، بیتا.
- مناظرات تاریخی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام با پیروان مذاهب و مکاتب مختلف، مکارم شیرازی، ناصر، مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۶۶ ه. ش.
- مناقب آل ابی طالب، ابن شهرآشوب، محمد بن علی، تصحیح و تعلیق: رسولی محلاتی، سید هاشم، قم: مؤسسه انتشارات علامه، بیتا.